

ابن عربی در نگاه شرق شناسان^۱

محمد بن طیب^۲

ترجمه: مجید منهجی^۳

چکیده

کنکاش و تفحص در آراء و اندیشه‌های عارفان و اهل معرفت از مطالعات راهبردی برای محققان عرفان و تصوف به ویژه شرق شناسان به شمار می‌رود. شیخ اکبر محی الدین معروف به ابن عربی (متوفی ۶۳۸ هـ) در زمره همان عارفان و دارای شخصیتی استثنایی در جهان اسلام است، با آنکه عارفی از منتهی الیه غرب جهان اسلام است، اما به اندیشه‌های حکمی و عرفانی شرق بسیار واقف و نزدیک است.

اهمیت ابن عربی در آن است که عقاید متصوفه را نظم بخشیده و صورت بندی کرده و آن‌ها را به شکل صریح بیان کرده است. ابن عربی عالی‌ترین شارح تصوف و عرفان اسلامی به حساب می‌آید. اعتقاد اساسی تصوف، مخصوصاً به آن صورت که توسط شیخ اکبر و مکتب او تفسیر شده، وحدت متعالی وجود یا وحده الوجود است، که بسیار مورد مناقشه، مطالعه و تحقیق اندیشمندان داخل و خارج از جهان اسلام قرار گرفته است. در برخی مواقع این مناقشه‌ها و مطالعات دچار سوءفهم و برداشت‌های غلط شده است. در این مقاله به بررسی آراء و دیدگاه‌های شرق شناسان درباره ابن عربی و به طور خاص وحدت وجود از نگاه آن‌ها پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ابن عربی، تصوف، وحدت وجود، وحدت شهود، فتوحات مکیه، شرق شناسان.

۱. این مقاله برگردان مقاله «ابن عربی فی الدراسات الاستشراقیه» که در مجله مجله الباب، شماره ۸، زمستان ۲۰۱۶، موسسه مومنون بلا حدود للدراسات و الابحاث، مغرب، رباط به چاپ رسیده است.

۲. استاد دانشگاه تونس

۳. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی تهران mmajid.menhaji@gamil.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۷

در روزگار معاصر که شاهد تکنولوژی و فناوری اطلاعات هستیم و ارزش‌های مادی و منافع طلبی‌ها زبانه می‌کشد و انسان‌ها در راستای کسب لذت، قدرت و ثروت با همدیگر درگیر شدند، توجه به تصوف با اقبال بسیاری روبرو شد. بنابراین اهتمام به مطالعاتی در زبان‌های مختلف در زمینه تصوف صورت گرفت. در این میان جایگاه مطالعات درباره ابن عربی (ت ۶۳۸ هـ/ ۱۲۴۰ م) معروف به «شیخ اکبر» نسبت به دیگر مطالعات بسیار حائز اهمیت به شمار آمد. در این مقاله به آثار و نگاه شرق شناسان در راستای ترجمه آثار و مطالعات متصوفه و به ویژه گفتمان نهضت اکبریه می‌پردازیم. (میشل شودکوفیتش، ۱۹۹۲: ۲۲۲-۲۲۳) بسیاری از مطالعات شرق شناسی درباره ابن عربی و منش صوفیانه‌اش شامل احاطه و تصنیف و در درجه بعدی دسته بندی و تنقیح آن‌ها به شمار می‌آید.

سیری در سیره شیخ اکبر ابن عربی

ابوبکر محمد بن العربی الحاتمی الطائنی مشهور به ابن عربی، عارف مرسیه، شیخ اکبر، محی الدین، کبریت احمر، و ... در سال ۵۶۰ هـ. ق در شهر مرسیه اندلس متولد و در سال ۶۳۸ هـ در شهر دمشق از دنیا رفت. (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۵) با پیدا شدن ابن عربی ناگهان نظری کامل با وسعت عظیم، چه از لحاظ الهیات جهان شناسی، و چه از لحاظ علم النفس و مردم شناسی، درباره تصوف ابراز می‌شود. محی الدین عقاید متصوفه را تا آن زمان به صورت ضمنی در گفته‌های شیوخ طریقت مندرج بود، به صورت صریح و روشن تنظیم کرده است. وی به این ترتیب شارح عرفان اسلامی به شمار می‌رود. اهمیت ابن عربی در آن است که عقاید متصوفه را نظم بخشیده و صورت بندی کرده و آن‌ها را به شکل صریح بیان کرده است. درست است برخی از متصوفه قدیمی تر، مانند حکیم ترمذی و بایزید بسطامی، مسائل حکمت الهی را مورد بحث قرار داده بودند، و در آثار عطار و ابن مسره نظریات جهان شناختی وجود داشته است، ولی به آن وسعت که در آثار ابن عربی دیده می‌شود، نبوده است. در کتاب‌های متصوفان قدیمی تر، غالباً از دستورالعمل‌های سیر و سلوک بحث می‌شده، یا اینکه



سخنانی را که هر یک از صوفیان در مراحل مختلف وصول گفته بوده، در آن کتاب‌ها جمع آوری و حفظ می‌کرده‌اند. (نصر، ۱۳۸۴: ۹۴)

بررسی دلایل توجه شرق شناسان به ابن عربی

مطالعات شرق شناسان درباره ابن عربی دارای انسجام و عمق خاصی است. ضروری است که منابع مختلف را به صورت تعاملی و در کنار همدیگر در این باب بررسی کنیم. پس از کنکاش و جستجو در نصوص آن‌ها به این نتیجه می‌رسیم که برخی از منابع و تحقیقات شرق شناسان دچار سوءفهم و برداشت‌های نادرست و تأویل‌های یکجانبه شده‌اند. اما این سؤال همیشه وجود دارد که علت توجه شرق شناسان به ابن عربی در مطالعات علمی خود چیست؟! علت این اقبال زائدالوصف شرق شناسان به تصوف اسلامی چیست؟!

آیا می‌توان گفت صرفاً نوعی کنکاش و اطلاع از جهان پیرامونی است؟! آیا جهان معاصر و واپس‌گرایی معنوی عامل توجه شده است؟! متون صوفیه دارای کششی سحرآمیزی در این زمینه به شمار می‌آیند، که نفوس انسانی را مسحور می‌کنند. انسان‌ها در عصر حاضر جویای این مباحث هستند و دوستدار حب الهی می‌باشند. در این حالت صوفی به صراحت اعلام می‌کند می‌تواند با جدیت و به طور موثق انسان را با خداوند مرتبط کند.

آیا شرق شناسان در تصوف اسلامی و گفتمان ابن عربی نوعی تعالی و ارزش‌های اخلاقی روحی در راستای شفای عاجل در روزگار معاصر ف یافته‌اند؟! بدین جهت با شور و شغف خاصی به مطالعه در زمینه میراث صوفیه پرداختند و شاید بتوان گفت این مطالعه در راستای شناخت تمدن اسلامی است.

مطالعات شرق شناسی درباره اکبریه

۱. بخش اول: مطالعات توصیفی

آثاری که با نگاه توصیفی نوشته شده به جهت کثرت، تنوع، میزان دقت، روش و بینش میان آن‌ها تفاوت اساسی وجود دارد. اما این آثار از دو حالت خارج نیستند: بخش توصیفی محض که شامل

مطالعات توصیفی محض و با هدف شناسایی ابن عربی و صرفاً این مطالعات عمومی و برای مخاطبان غیر تخصصی در زمینه تصوف می‌باشد. این بخش به مخاطب کمک می‌کند که فهم و درک بهتری نسبت به این موضوعات پیدا کند. البته اطلاعات، درک و تدبیر ویژه ای به خواننده نمی‌دهد و او را قانع نمی‌کند. در حالی که باید به متون و نصوص اصلی تصوف اکبریه در راستای یافتن گمشده خود و استنتاج فکر جدیدی مراجعه کرد. از جمله می‌توان به: ژان شوالیه Jean Chevalier، روجیر دولادریار Roger Deladrière، آنه ماری شیمل Annemarie Schimmel و دیگر مقالات در مجلات غیر عربی که از توصیف و تعریف فراتر رفته و به تحلیل و نقد و تألیف پرداخته‌اند. روشن است که این کتاب‌ها دارای سو فهم و گاهی همراه با دیدگاه‌های التقاطی و اشتباه هستند. در مقابل گروه دیگری از مطالعات شرق شناسی وجود دارد که کاملاً جنبه توصیفی هستند و آموزه‌های صوفیه اکبریه و کاملاً صحیح و موثق بیان کرده‌اند. از می‌توان به تالیفات رنه گنون René Guénon، مارتین لینگز Martin Lings، لئو شایا Léo Schaya و تیتوس بورکهارت Titus Burckhardt نام برد.

۲. بخش دوم: مطالعات تحلیلی

بخش دوم مطالعات شرق شناسی اشاره به مطالعات کاملاً تخصصی و علمی که حاوی اطلاعاتی عمیق در راستای تفکر و دریافت معارف و معانی تصوف اکبریه دارد. این نوع مطالعات بسیار اندک می‌باشد و این ثمره تلاش‌های مضاعف و ستودنی برخی از شرق شناسان بزرگ است که عمر خود را در راه مطالعات تصوف گذاشته‌اند، می‌باشد.

مجلات فرهنگی اسلامی مملو از این مقالات به ویژه در زمینه تصوف اکبریه است. این مطالعات ارزشمند کمک بسیاری به پژوهشگران مسلمان در جهت دست یابی به راه حل مشکلات در این حوزه‌ها می‌کند و دریچه‌ای از علم و وجوه مختلف آن را بر روی آن‌ها می‌گشاید. از جمله این آثار: میشل شودکوفیتش Michel Chodkiewicz، و کلود عداس Claude Addas، استیفان رسپولی





Sté phane Ruspoli، دینیس گریل Denis Gril، ایریک جیوفروی Eric Jeoffroy از فرانسه و ویلیام چیتیک William Chittick، الکساندر دیمتریویچ کنیش Alexander Knysh از ولایات متحده امریکا، توشی هیکو ایزوتسو Toshihiko Izutsu و ماساتاکا تاکه شیتا Masataka Takeshita. در این میان آثار رنالد الین نیکلسن Nicholso، لویی ماسینیون Massignon، هانری کوربن Corbin دارای اهمیت و ارزش فراوانتری نسبت به دیگر آثار هستند. هدف بیان اختصاری برخی از مولفان شرق شناسان و نگاه آن‌ها درباره ابن عربی و تصوف است و بحث محوری این مقاله وحدت وجود که جوهر تصوف اکبری به شمار می‌رود، می‌باشد.

تعریف وحدت وجود

مترجم: وحدت وجود جزو پیچیده‌ترین و دیرپاب‌ترین نظریات عرفانی ابن عربی است. فهم این نظریه به قدری سخت است که کمتر کسی توانسته، آن را به خوبی دریابد و بیش‌ترین اسباب اختلافات درباره ابن عربی نیز از همین بابت پدیدار شده است. این نظریه بسیاری را به خطا برده و با تحلیل، تفسیر و فهم غلطی از آن حاصل کرده‌اند، به قضاوت درباره ابن عربی پرداخته‌اند. در حقیقت این حکم باید بر خود آن روا باشد، نه بر ابن عربی. در اینجا دو خطا صورت گرفته است، یکی خطای در فهم و دیگری خطای در حکم. (محمدی، ۱۳۸۴: ۱۰۷)

اعتقاد اساسی تصوف، مخصوصاً به آن صورت که توسط شیخ اکبر و مکتب او تفسیر شده، وحدت متعالی وجود یا وحده الوجود است که از همین لحاظ بسیاری از دانشمندان جدید وی را به مکتب همه خدایی (پانتئیزم) یا همه در خدایی (پان‌انثیزم) یا وحدت جوهری وجود متهم کرده‌اند، و در زمانی بسیار نزدیک‌تر به ما او را پیرو مکتب «تصوف طبیعی» شمرده‌اند. ولی همه این تهمت‌ها بی اساس است، از آن جهت که اینان نظریات عرفانی ابن عربی را به جای فلسفه می‌گیرند، و این امر را در نظر نمی‌آورند که راه عرفان از فیض و برکت الهی و ولایت جدا نیست. اصطلاح همه در خدایی که توسط نیکلسون و دانشمندان دیگری مطرح شد. (نصر، ۱۳۸۴: ۱۱۰)

عقیده وحدت وجود یا وحدت واقعیت، به آن صورت که توسط محی الدین و دیگر متصوفه بیان شده، نه عقیده همه خدایی است، نه همه در خدایی، نه وحدت جوهری وجود، و نیز ثمره یک «تصوف طبیعی» که از تعالی بر سلسله مراتب عالم مخلوقات عاجز است از هدایت سالم حکمت وابسته به وحی و برکت و فیض الهی تهی است. بلکه معنی آن این است که در عین آنکه خداوند نسبت به جهان تعالی مطلق دارد، جهان کاملاً از وی جدا نیست. این است که «جهان به صورتی اسرار آمیز غوطه ور در خداوند است.» معنی آن این است که معتقد بودن به هر نوع حقیقتی مستقل و جدا از حقیقت مطلق، افتادن در گناه بزرگ اسلام یعنی شرک است و انکار «لا اله الا الله» و این «لا اله الا الله» در واقع شهادت دادن به این امر است که هیچ حقیقتی جز حقیقت مطلق وجود ندارد. این شهادت با یک نفی آغاز می‌شود، تا مبدأ اعلی در هیچ اثباتی، به هر صورت که بوده باشد، محسوس نشود. عالم و اشیائی که در آن است خدا نیست، ولی حقیقت آن‌ها چیزی جز حقیقت او نیست. اگر چنین نباشد، آن‌ها نیز حقیقت‌های مستقلی خواهند بود، که در واقع مثل این است که آن‌ها نیز خدایانی جز الله بوده باشند. (نصر، ۱۳۸۴: ۱۱۱-۱۱۲)

ویژگی‌های بارز در مطالعات شرق شناسی اکبریه

در اینجا لازم است به مطالعات شرق شناسی درباره زندگی ابن عربی اشاره مختصری کرد. از بهترین کتاب‌ها در این زمینه مطالعات کلود عداس Claude Addas درباره ابن عربی و بحث کبریت احمر است. (رجوع به: کلود عداس، ۱۹۸۹، ابن عربی، در جست و جوی کبریت احمر) شرق شناسان اهتمام ویژه ای به مطالعات عمیق و دقیق در زمینه ابن عربی قبل از ورود به طریقت تصوف انجام دادند و این نگاه دقیق را در مطالعات جerald Elmore می‌توان جست جو کرد. (جرالد المور، ۱۹۹۸: ۵۰-۷۲) این مطالعات از نگاه توصیفی به نگاهی کاملاً تحلیلی و همراه با دیدگاه و آراء صائب و افکار روشن گرانه تبدیل شد. به عنوان مثال می‌توان به مطالعات شرق شناسانی چون ژان دورینگ Jean During و کلود عداس اشاره کرد. زیرا ابن عربی شخصیتی که





دارای اطلاعات بسیاری در زمینه میراث که دورینگ توانست از افکار ایشان مقداری جمع آوری کند. البته دورینگ با مطالعات خود زوایای پنهانی باقی نگذاشته است.

اشارات بسیار زیاد و متواتر در دائره المعارف اکبره درباره افکار و آراء صوفیه بیانگر این نکته است دیگر نیازی به مراجعه به میراث صوفیه و تدبر در آنها نیست. استعاره‌های نهفته در مفاهیم و اقتباسات در برخی تعابیر را بیان می‌کند. (کلود عداس، ۱۹۹۶: ۵۷) بدون شک ابن عربی پابند مدرسه فقهی یا کلامی و یا تصوف خاصی نبود. می‌توان گفت که با آثار خود خلاصه و عصاره آراء صوفیه را بیان کرد. (ژان دورینگ، ۱۹۷۵: ۳۰۷) برخی معتقدند که غزالی (متوفی ۵۰۵ هـ) به عنوان نمونه بزرگ بر شخصیت ابن عربی تأثیر زیادی گذاشت. (فرانس روزنتال، ۱۹۸۸: ۳۵-۳۱)

میشل شودکیوتز از بزرگ‌ترین شرق شناسان دست به ابتکار جالبی زد و آن تنقیح و فصل بندی کتاب الفتوحات المکیه و فصوص الحکم ابن عربی بود. او معتقد است فهم و درک محتوای آثار ابن عربی در گرو بازگشت به قرآن است. (میشل شودکوفیتش، ۱۹۹۲: ۲۲۲-۲۲۳) در جای دیگر میشل شودکیوتز می‌نویسد: «هنگامی که در متون اکبریه جستجو می‌کنیم، به طور کامل می‌بینیم که مبانی متون ابن عربی، قرآن است. به گونه‌ای که مذهب اکبریه مذهبی مبتنی بر قرآن و بر محور آن است و این مذهب با قرآن کاملاً متصل است.» (همان، ۱۹۹۵: ۱۳)

وحدت وجود ابن عربی در نگاه شرق شناسان

بسیاری از شرق شناسان توجه ویژه‌ای به مسئله وحدت ابن عربی داشتند و درباره آن تحقیقات مفصلی انجام داده‌اند. توجه ویژه آنها به کتاب «الفتوحات المکیه» بود که بزرگ‌ترین کتاب صوفی بزرگ جهان اسلام به شمار می‌رفت. ابن عربی عقیده وحدت وجود و اصل رسیدن به آن و فصل بندی و شرح معانی آن را بیان می‌کند. به عبارت دیگر ابن عربی با این تألیف همه مرام‌های صوفیه را بهم نزدیک و دلایل و راه‌های اثبات ادله را به وضوح روشن کرد. این تألیف در یک کلام خلاصه جامع درباره مرام صوفیه به شمار می‌رود. (ابن العربی، ۱۹۸۵: ۱/۱۷۳) این نکات حائز اهمیت را

کریستیان بونو Christian Bonaud با تاکید بسیار زیاد بیان کرد. (کریستیان بونو، ۱۹۹۱: ۲۲) اما روجر دولادریار Roger Deladrière تاکید می‌کند که ابن عربی این جملات را استفاده نکرده و به ایشان نسبت داده شده است و این نسبت دادن از سوی علمای ظاهریه و سلف و به ویژه پس از هجده‌های ابن تیمیه علیه ابن عربی صورت گرفته است. (روجر دولادریار، ۱۹۸۵: ۴۳) از بارزترین و بهترین آثار تحقیقی در این زمینه از آن ویلیام چتیک می‌باشد، که ثابت کرده است نسبت این عبارات به ابن عربی صرفاً یک اشتباه تاریخی است. (چتیک، ۲۰۰۰: ۵۸۱) چتیک در ادامه به بحث درباره این مفهوم توجه شایانی می‌کند.

به نظر می‌رسد شرق شناسان در مطالعات مسئله وحدت وجود دچار سوء فهم و به نوعی خلط میان این بحث و برخی مفاهیم صوفیه از جمله حلول، اتحاد، فناء و وحدت شهود شده‌اند. میان مفهوم وحدت وجود صوفی اکبریه با مفهوم غربی آن یعنی Panthéisme مطابقت وجود دارد. بدین صورت که خداوند عالم است و عالم خداوند است. یعنی به تعبیر متصوفه: «أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَالَمُ وَ أَنَّ الْعَالَمَ هُوَ اللَّهُ، أَوْ أَنَّ اللَّهَ بَاطِنُ فِي الْعَالَمِ مِثْلُ فِي الطَّبِيعَةِ» بنابراین متون اکبریه با وحدت وجود ارتباط تنگاتنگ دارد و این مفهوم مادی ترکیبی یا همان اندماجی نیست. می‌توان به طور قطع گفت که نگاه وحدت وجود صوفیه اکبریه در واقع مفاهیم غربی وحدت وجود را روشن و بینا می‌کند. به عبارت دیگر گامی مهم در راستای جلوگیری از لغزش فکری می‌باشد.

از اینجاست که ضروری است به ویژگی‌های گفتمان صوفیه اسلامی توجه کرد. زیرا در تصورات و گفتمان وحدت وجود ابن عربی اهتمام ویژه ای به دوری‌گزینی از سایر تصورات که منبعث و شکل گرفته از فلسفه غرب معاصر و فرهنگ‌های گذشته و ادیان شرق و یا فلسفه یونان داشت. این نوع نگاه مخاطب را قانع نمی‌کند و غایت بحث را نابالغ و ناپخته جلوه می‌دهد. در کنار این موضوع، اگر تعصب و جانبداری‌ها و یکجانبه‌نگری‌ها را باید اضافه کرد که تصورات را به لغزشگاه می‌برد.

در مقابل گروه دیگری از شرق شناسان هستند که معتقدند وحدت وجود اکبریه دارای معانی کاملاً مادی ترکیبی است. سارج دی لوجییه دی بورکوی Serge De Laugier De Beurceuil به ایضاح این





فقره می‌پردازد. او می‌نویسد: «در تصورات ابن عربی، خداوند همان وجود مطلق است که همه موجودات از آن تکوین و شکل گرفته است و صرفاً انعکاس صفات و اسماء خداوند به شمار می‌روند.» (سارج دی، ۱۹۸۵: ۱۴۱) تحقیقات علمی دیگری که درباره فهم وحدت وجود ابن عربی نگاشته شده است، مطالعات لئو شایا Léo Schaya می‌باشد. شایا می‌نویسد: «خداوند حق وحید و مطلق است، اما عالم منبعث از وجود خداوند نیست، بلکه وجود آن موقوف بر ایجاد خداوند بر عالم است و حفظ آن در دست خداوند می‌باشد. وحدت وجود، مادی نیست که انعکاس خداوند به شمار رود. وحدت وجود امری فیضی نیست که عالم سیال از ذات خداوند به حساب آوریم. بلکه وحدت آن بر ایمان به خداوند واحد فرد صمدی که قابل تبدیل نیست، استوار است و آن فی نفسه و در حقیقت ذات خود او متعالی است و نفس خداوند به مظاهر مخلوقات متعلق است. (شایا، ۱۹۶۲: ۱۹۲)

در نگاه ویلیام ستودار William Stoddar اشکالی در به هم رسیدن وحدت وجود اکبریه وحدت وجود مادی ترکیبی نیست؛ زیرا این وحدت وجود منتبسط بر مفاهیم فلسفی اروپایی قرن معاصر به شمار می‌رود و ارتباطی با مذاهب صوفیه ندارد. (ستودار، ۱۹۷۹، ۳۸)

ویلیام چتیک دیدگاه قابل تاملی را بیان می‌کند. چتیک می‌نویسد: «تلاش برای فهم وحدت وجود ابن عربی، بسیار سخت و تلاشی نفس گیر به شمار می‌رود. بنابراین ضروری است همه تصورات گذشته درباره وحدت وجود را مورد واکاوی قرار دهیم.» (چتیک، ۲۰۰۰: ۵۸۱)

یزوتسو شرق شناس ژاپنی تلاش بسیاری در شرح وحدت وجود اکبریه و بسط آن انجام داد. به عبارت دیگر نزدیک‌ترین، دقیق‌ترین مسلک و روشن‌ترین تحلیل را ییزوتسو در میان شرق شناسان انجام داده است؛ هرچند روش او کاملاً فلسفی بود. به عنوان مثال در عبارت «الزهره موجوده- گل وجود دارد.» پیروان وحدت وجود و در رأس آن‌ها ابن عربی معتقدند که موصوف حقیقی، وجود است و گل و همه اشیاء دیگر چیزی جز صفات برای وجود نیستند. گل از لحاظ علم نحو اسم است، اما از منظر متافیزیک نعت و صفت برای حقیقت واحده ای که مسماء وجود است. بنابراین حقیقت



موجود در عالم خارج و آنچه که بدان «این گل موجود است.» کاملاً با شکل نحوی آن تفاوت دارد. و بمعنی الکلّمه آن وجود است به اعتبار اینکه مطلق غیر محدود به حساب می‌آید. گل چیزی جز صورت ظاهری مخصوص که وجود در آن تجلی می‌کند و در واقع در همه اشیاء تجلی پیدا می‌کند. به بیان دیگر، گل عرض است که وجود را توصیف و آن را در قالب و شکل ظاهری مقید می‌کند. اما وجود محض در صفاتش، دارای صفت و حتی نعت نیست و آن وحدتی بسیط مطلق غیر محدود است. (ایزوتسو، ۱۹۸۰: ۵۴)

در نگاه ارنالداز Arnaldez وجود از آن ما نیست و در واقع وجود خداست و وجود ما بدان وابسته است، در صورتی که ما موجودیت داشته باشیم. اما در صورتی که وجودش وابسته به غیر باشد، آن در حکم عدم محسوب می‌شود و همین گونه است وجود به ما ختم نمی‌شود، بلکه موهبتی الهی است و آن فعل خود خلق است و خلق جز به خداوند مطلق بازگشت ندارد. (ارنالداز، ۱۹۶۵: ۶۲۶)

خلق مظهر خداوند و تجلی اوست. به این معنی که وجود موجودات که جوهر ماهیت آنها پنداشته می‌شود، به خود (یعنی به موجودات) باز نمی‌گردد، بلکه از آن خداوند به حساب می‌آید. خداست که او را به وجود می‌آورد و وجود را حفظ می‌کند. این نگاه که وحدت وجود مادی ترکیبی و یا تاله عالم به شمار می‌رود. به این معنی که عالم همان خداوند است، نادرست است. زیرا مخلوقات در این عالم معادل و انعکاس خداوند به شمار نمی‌روند و فقط مجرد انعکاس صفات و اسماء او هستند. از سوی دیگر وحدت وجود مادی دیدگاهی فلسفی متافیزیکی است. در صورتی که آن نقیض متافیزیک به حساب می‌آید. رنه گنون این دیدگاه را درست و صواب می‌داند و اذعان می‌کند که وحدت وجود اکبریّه متداخل و متوغل در متافیزیک است. (گنون، ۱۹۷۳: ۹۱)

برداشت‌های نادرست در مطالعات شرق شناسی درباره اکبریّه

از ویژگی‌های بارز شرق شناسی توجه ویژه به تصوف اکبری است. برخی از بزرگان شرق شناسی در مطالعاتشان دچار سوءفهم شدند. لوئیس گاردیه Gardet معتقد است میان وحدت وجود و وحدت



شهود به شکل جدی تمایز وجود دارد. او به صراحت بیان کرد که میان آن دو (وحدت وجود و وحدت شهود) اختلاف اساسی وجود دارد. اختلاف آن‌ها جذری است. به این معنا که وحدت شهودی به اعتباری خواهان اتحاد با خداوند است و از این طریق به آنچه مطلوب به حساب می‌آورد، می‌رسد. اما به جهت همراهی دائمی خالق و مخلوق، وحدتی میان آن‌ها شکل گرفته است. (گاردیه، ۱۹۸۶: ۱۸۲-۱۸۳) از دلایل اشتباه این دیدگاه این است که، ابن عربی هرگونه فنا و اتحاد با ذات الهی را نفی می‌کند. زیرا فنا در الوهیه همان مجموعه اسماء الهیه است و فنا در ذات نیست که غیب مطلق یا آنچه ابن عربی آن را «غیب الغیب» می‌نامند، است.

بنابراین دو وحدت داریم: وحدت شهود و وحدت وجود. هر دو در تجربه روحی با همدیگر اشتراک دارند و مساوی هستند. وحدت وجود امتداد وحدت شهود و شرط آن به شمار می‌رود. راه دست یابی به وحدت وجود جز از طریق مرور وحدت شهود نیست، اگر وحدت وجود نهایت وصول در معراج روحی است، وحدت شهود ابتدای راه وصول به شمار می‌آید.

دینیس گریل Denis Gril در تحقیق رساله «الاتحاد الکونی» می‌نویسد: «ابن عربی وحدت وجود را به وحدت شهود متصل کرد» (ابن عربی، ۱۹۸۱: ۸۲) او در ادامه می‌گوید: «و این مسئله دلیلی بر اینکه وحدت شهود و وحدت وجود دو وجه جدای از هم برای مذهبی واحد از حقیقتی واحد نیستند». (همان: ۶۲)

وحدت وجودی و شهودی در تجربه روحی یکسان، اما در تحلیل‌ها و استدلال‌ها متفاوت هستند. تحلیل آیت تجربه و وصف و تفسیر و تلاش در راستای اثبات و اقناع بر وجود آن‌ها دلیلی بر نفی آنان به شمار نمی‌رود. می‌توان گفت وجودی واحد وجود دارد که صوفی در حالت فنا آن را پیدا و درک می‌کرد، سپس با عقل و فرهنگ به بیان و برهان آن می‌پردازد. اختلاف در شعور و درک است و ذکر عبارت پرداختن به صورت بیان و برهان، اختلاف در میزان حررات عاطفه و به نوعی کاوش وجدانی و فکری به شمار می‌رود.

ذوق و کشف دو مقدمه نظر و تأمل است. ناگفته پیداست هر ذوق و کشفی مدنظر نیست. می‌توان این عبارت را پذیرفت: «ما لا يعرف إلا من طريق الكشف و الشهود و الشهود يعطى رتبه تذاق و لا تنقال و لا تنحكي» (ابن عربی، ۱۹۹۴: ۵/۵۰۸) اگر بخواهیم همگام با ابن عربی میان وحدت شهود که ابن عربی آن را «سراالحال» می‌نامند و وحدت وجود که آن را «سراالحقیقه» می‌نامند، وحدتی ایجاد کنیم. ضروری است بگویم سراالحقیقه به شخص عینیت واحد می‌دهد. اما در حکم اختلاف است. اما سراالحال برای شخص ایجاد تلبس می‌کند و به او می‌گوید «انا الله» و «سبحانی» و «أنا من أهوى و من أهوى أنا» برای حقیقت چشمی است که با آن می‌توان دید، در حالی که با چشم حال نمی‌توان دید. (همان، ۱۹۵/۴)

می‌بینیم ابن عربی در اصطلاح مشاهده میان وحدت شهود و وحدت وجود به نوعی وحدت ایجاد می‌کند. در اولی (وحدت شهود) «مشاهده الحق فی الخلق و هی رؤیه الحق فی الأشياء» و در دومی (وحدت وجود) همان «مشاهده الحق بلا خلق و هی حقیقه الیقین بلا شک» (همان، ۲۲۵/۴) فناء و مفهوم جامع دربردارنده آن در راستای کسب درجات بالای وحدت شهود می‌باشد. اما درجه عالی همان اتحاد است. اتحاد همان تطابق میان وحدت وجود است. فناء و اتحاد در ذات آن‌ها غایت به شمار نمی‌روند، مگر به اندازه تحقق وحدت وجود باشد.

از شواهد دلالت کننده بر می‌آید که وحدت وجود در اصل یک تجربه صوفیه و حالت روحی که ابن عربی در راستای گذر از مقالات و احوال در طریق الی الحق بدان اشاره می‌کند و اذعان دارد که از ویژگی‌های محمدیون است و جز برای اهل ادب جویا و خواهان حق نیست. به عبارت دیگر «الثبات علی الشهود» است. حالت وجود و رویت چشم که با آن مشاهده می‌کند. به عبارت دیگر «لیس کمثله شیء - شوری ۱۱» است. (همان، ۲۷/۴)

وحدت وجود در نزد ابن عربی و دیگر متصوفه قائلین به آن، به معنی این نیست که خداوند و عالم شیء واحدی هستند. ابن عربی به صراحت به این مسئله اذعان می‌کند: «و من هنا زلت أقدام طائفة عن مجرى التحقيق فقالت ما ثم إلا ما ترى، فجعلت العالم هو الله و الله نفس العالم لیس أمرا آخر، و سببه





هذا المشهد لأنهم ما تحقّقوا به تحقّق أهله فلو تحقّقوا به ما قالوا بذلك و أثبتوا كلّ حقّ في موطنه علما وكشفا. (ابن عربی، ۱۹۹۷: ۴۰۲) به این معنا که وحدت وجود نزد ابن عربی و پیروانش، خداوند همان عین کل موجود است. به عبارت دیگر خداوند همان وجود حق است و حقیقت همه موجودات است و وجود واحد همان وجود حق است و عالم و همه موجودات آن چیزی جز مجالی برای وجودش به شمار می‌روند. ابن عربی می‌گوید: «سبحان من أظهر الأشياء وهو عینها» بدان معنی نیست که خداوند عین اشیاء از حیث مجموع خودشان باشد؛ بلکه یعنی حق از حیث وجودش عین حقیقت کل موجود به حساب می‌آید. اگر موجودی وجودش منوط به غیر باشد، در حکم عدم است. لئو شایا در این زمینه دیدگاهی متفاوت بیان می‌کند. او معتقد است که وحدت وجود صوفیه اسلامیة از وحدت مادی ترکیبی اندماجی تمایز دارد. وحدت وجود صوفیه متعلق به چیزی جز حقیقت خداوند ازلی سرمدی نیست و با مخلوق عدمی ارتباطی ندارد. بنابراین حق، خلق نیست و خلق، حق نیست و امتزاجی میان دو طبیعت حق و خلق در نزد متصوفه نیست. خلق عدم است و این خداوند است که حق سرمدی برای خلق عدمی به شمار می‌آید و اینکه حق را با غیر حق خلط کنیم چیزی جز جهل نیست. (شایا، ۱۹۶۲: ۲۷)

وحدت وجودی که آمیخته با رنگ و لعاب فلسفی قابل انکار نیست. اما وحدت وجود به نوعی آمیخته ذوق صوفیانه می‌باشد. روبرار اوانس Robert Avens معتقد است فلسفه ابن عربی در وحدت وجود را نمی‌توان از تجربه صوفیانه منفک کرد. (روبار اوانس، ۱۹۸۶: ۹) لوئیس گاردیه با نگاهی عمیق و تحلیلی مناسب می‌نویسد، تصوف ابن عربی عموماً یک تجربه روحی است و فهم این حکمت در گرو استعانت از تجربه است. (گاردیه، ۱۹۶۹: ۲۷۱) زیرا بنده در حالت فناء فی الله به وحدت با حق می‌رسد. بنابراین حق در صورت خلق و یا در صفاتش و نه ذات آن جلوه می‌کند. در اینجا بنده از فناء به بقاء می‌رسد. وحدت بنده همان شعور و درک روحی اوست که در حالت فناء کامل می‌شود و حتی در صورت بیداری و بقاء زندگی، دارای مدرکاتی از مقامات الهی است، در حالی که در همه احوال بنده خدا به حساب می‌آید و نسبت میان بنده و خداوند نیست، مگر او بنده

خداست و خداوند رب او به شمار می‌آید. ابن عربی در رساله المشهدیه به این مسئله تصریح می‌کند: «الموحد المحقق إذا عرج فی معارج الحقائق و حصل ضرباً من مكاشفات اتحاد الرقائق و الدقائق، و صحا بعدما سكر و نُشِر بعدما قُبِر، لا بدّ من ملازمه الأدب و تباین الرتب و معرفه النسب و الوقوف عند العله و السبب». (ابن عربی، ۱۳۲۸: ۶۰۴-۶۰۵)

بنابراین اصل اساسی در وحدت وجود در نزد ابن عربی همان تجربه فناء می‌باشد. اما آنچه که بدان افزوده و در کتاب الفصوص و الفتوحات و دیگر تالیفات می‌یابیم، صرفاً تلاشی در راستای همان تجربه است که قصد دارد آن را پس از ذوق با عقل اثبات کند.

پیوست

معرفی اجمالی شرق شناسان

ردیف	نام شرق شناس	توضیحات
۱	ژان شوالیه	کتاب فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضایی
۲	آنه ماری شیمل (۱۹۲۲ ۳۰-۲۰۰۳)	اسلام پژوه، خاورشناس و مولوی شناس سرشناس آلمانی - رساله دکترای اول «مصر در اواخر دوران قرون وسطی» - رساله دکترای دوم در حوزه تاریخ ادیان و با عنوان «عشق عرفانی در اسلام» - او جزو نویسندگان تاریخ ایران کمبریج بوده است. کتابشناسی: ۱. جایگاه خلفا و قضات در پایان زمامداری ممالیک ۲. خلیفه و قاضی در اواخر قرون وسطی در مصر ۳. پژوهشی در مفهوم عشق عرفانی در دوره‌های نخستین عرفان اسلامی ۴. ادیان جهان: مختصر تاریخ ادیان (آنه ماری شیمل، ۱۳۸۳-۴۵۵)
۳	رنه گنون	یا شیخ عبدالواحد یحیی محقق سنت‌گرای فرانسوی - کتابشناسی: ۱. بحران دنیای متجدد، ترجمه ضیاءالدین دهشیری





<p>۲. معانی رمز صلیب: تحقیقی در فن معارف تطبیقی، ترجمه بابک عالیخانی</p> <p>۳. نگرشی به حقایق باطنی اسلام و تائوئیسم، ترجمه دل‌آرا قهرمان</p>		
<p>با نام اسلامی ابوبکر سراج الدین (۱۹۰۹ - ۲۰۰۵) از صوفیان پیرو طریقت شاذلیه و از مریدان فریتهوف شوئون (شیخ عیسی نورالدین احمد)</p> <p>کتاب‌شناسی:</p> <p>۱. کتاب شکسپیر در پرتو هنر عرفانی. ترجمه سودابه فضایی ۲.</p> <p>کتاب عارفی از الجزایر. ترجمه نصرالله پورجوادی</p> <p>۳. کتاب عرفان اسلامی چیست؟. ترجمه فروزان راسخی</p>	<p>مارتین لینگز</p>	<p>۴</p>
<p>دو اثر ترجمه شده لئو شایا:</p> <p>۱. کتاب هرمس و زبان مرغان، ترجمه: امین اصلانی</p> <p>۲. کتاب معنای عام قبلا</p>	<p>لئو شایا</p>	<p>۵</p>
<p>آلمانی سویسی تبار، پژوهشگر در زمینه هنرهای اسلامی، معماری و تمدن اسلامی بود و پس از دیدار با فریتهوف شوئون به سنت گرایان و اصحاب حکمت خالده پیوست. بخش بزرگی از نوشته‌های بورکهارت به جهان‌شناسی سنتی اختصاص دارد که او به یک معنا آن را خادمه متافیزیک می‌دانست. سید حسین نصر، نخستین مترجم فارسی بورکهارت است. وی دو مقاله بورکهارت را به فارسی برگرداند:</p> <p>ارزش‌های جاویدان هنر اسلامی - روح هنر اسلامی</p> <p>کتاب‌شناسی:</p>	<p>تیتوس بورکهارت</p>	<p>۶</p>

		<p>۱. کتاب درآمدی بر آیین تصوف</p> <p>۲. کتاب هنر اسلامی؛ زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب نیا ۳. کتاب اصول و روش‌های هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری ۴. کتاب جهان‌شناسی سنتی و علم جدید، ترجمه حسن آذرکار</p>
۷	کلود عداس	<p>از آثار ترجمه شده ایشان:</p> <p>۱. در جست و جوی کبریت احمر: زندگانی ابن عربی، ترجمه: فریدالدین رادمهر</p> <p>۲. ابن عربی سفر بی بازگشت، ترجمه: فریدالدین رادمهر</p>
۸	ایریک جیوفروی	<p>شرق شناس فرانسوی، مولانا شناس شهیر</p>
۹	ویلیام چیتیک	<p>(متولد ۱۹۴۳) از اسلام شناسان و متخصصان عرفان مولوی و ابن عربی در آمریکا و دارای دکترای ادبیات فارسی از دانشگاه تهران - هم اکنون استاد دانشگاه استونی بروک است. مدتی نزدیک به ۳۰ سال از ویرایشگران دانشنامه ایرانیکا بوده است.</p> <p>چیتیک نخستین کسی است که صحیفه سجادیه را به زبان انگلیسی ترجمه کرده است. کتاب‌های چیتیک که به زبان فارسی ترجمه شده است:</p> <p>۱. عوالم خیال: ابن عربی و مسئله اختلاف ادیان، قاسم کاکایی (مترجم)</p> <p>۲. عوالم خیال ابن عربی و مسئله کثرت دینی، محمود یوسف ثانی (مترجم) و مسعود صادقی علی آبادی (مترجم)</p> <p>۳. طریق صوفیانه عشق، مهدی سررشته داری (مترجم)</p> <p>۴. شرح سرفصل‌های فصوص الحکم، حسین مریدی (مترجم)</p>





<p>۵. طریق عرفانی معرفت از دیدگاه ابن عربی، مهدی نجفی افرا (مترجم)</p> <p>۶. درآمدی به تصوف، محمدرضا رجبی (مترجم)</p> <p>۷. سلوک معنوی ابن عربی، حسین مریدی (مترجم)</p> <p>۸. ابن عربی وارث انبیاء، هوشمند دهقان (مترجم)</p> <p>۹. ابن عربی میراثدار پیامبران، مترجمان: محمد سوری و اسماعیل علیخانی</p>		
<p>پروفسور اسلام شناسی بخش شرق نزدیک تحقیقات دانشگاه میشیگانان آربر (ایالات متحده امریکا)</p> <p>آثار:</p> <p>۱. مقاله [امام] خمینی و میراث حکمت عرفانی اسلام، ترجمه: محمد امجد</p> <p>۲. مقاله عطار نیشابوری، ترجمه: فاطمه احمدوند</p>	<p>الکساندر دیمتریویچ کنیش (متولد ۱۹۵۷° روسیه)</p>	<p>۱۰</p>
<p>زبان شناس، قرآن پژوه، اسلام شناس و فیلسوف ژاپنی بود. وی مطالعات و آثار گسترده‌ای در فلسفه تطبیقی و مطالعه تطبیقی ادیان است. او برای اولین بار قرآن را به زبان ژاپنی ترجمه کرد. ایزوتسو در سال ۱۹۶۱ به دعوت ویلفرد کنتول اسمیت، رئیس مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، به کانادا رفت و به تدریس متون مهم اسلامی همچون نجات ابن سینا در فلسفه و الاقتصاد فی الاعتقاد غزالی در کلام و فصوص الحکم ابن عربی در عرفان پرداخت. او در سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۷ در ژاپن اثری بین‌الادیانی تألیف کرد با موضوع یک مطالعه مقارنه‌ای در خصوص مفاهیم</p>	<p>توشی‌هیکو ایزوتسو (۱۹۱۴° ۱۹۹۳)</p>	<p>۱۱</p>



<p>فلسفی در تصوف و تائوئیسم با عنوان «ابن عربی و لائوتزو-چوانگ تزو»، که توسط مؤسسه مطالعات فرهنگی و زبان شناسی دانشگاه کیو و تحت سرپرستی نوبوئیرو ماتسوموتو به چاپ رساند. او همچنین مقالات «ابن عربی» و «اشراقیه» را در دائره المعارف دین به سرپرستی میرچا الیاده تألیف کرد.</p> <p>کتابشناسی:</p> <p>۱. اساس فلسفه حاجی ملا هادی سبزواری مقدمه تحقیقی و تحلیلی ضمیمه شرح منظومه حکمت</p> <p>۲. ترجمه کامل امور عامه و جوهر و عرض شرح منظومه حکمت سبزواری به انگلیسی</p> <p>۳. تصحیح قبسات میرداماد</p> <p>۴. تصحیح شرح منظومه حکمت به انضمام فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فلسفی</p> <p>۵. منطق و مباحث الفاظ، مجموعه متون و مقالات</p> <p>۶. نور و ظلمت در گلشن راز شبستری</p> <p>۷. مقایسه مفاهیم فلسفی تصوف و تائوئیسم، دو جلد</p> <p>۸. مفهوم و حقیقت وجود</p>		
<p>استاد گروه مطالعات اسلامی دانشگاه توکیو</p>	<p>ماساتاکا تاکه شیتا</p>	<p>۱۲</p>
<p>خاورشناس و اسلام شناس انگلیسی، شارح و مترجم آثار عرفانی فارسی و اسلامی به زبان انگلیسی</p> <p>کتابشناسی:</p> <p>آثار مهم او را در چهار بخش می توان تقسیم بندی کرد:</p>	<p>رنالد الین نیکلسن (۱۸۶۸ - ۱۹۴۵)</p>	<p>۱۳</p>



<p>بخش اول شامل تألیف کتاب «تاریخ ادبیات عرب» (به انگلیسی): از جمله: کتاب‌های دروس عربی در سه جلد و متن و شرح دیوان ابن عربی به نام ترجمه الاشواق و کتاب اللمع ف التصوف با مقدمه و ترجمه خلاصه به انگلیسی</p> <p>بخش دوم کتاب‌هایی با موضوع تصوف و عرفان اسلامی: از جمله کتاب‌ها عارفان اسلام - مطالعات در باب تصوف اسلامی</p> <p>بخش سوم شامل تصحیح انتقادی متون عرفانی فارسی: منتخبات دیوان شمس در ابتدا، تصحیح تذکره الاولیا عطار- تصحیح مثنوی مولوی ۳ ج</p> <p>بخش چهارم ترجمه‌هایی از متون فارسی، عربی و ترکی عثمانی به انگلیسی: از جمله ترجمه کشف المحجوب هجویری- اما بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اثر او در این قسمت ترجمه مثنوی مولوی و شرح بر مثنوی به انگلیسی در ۸ ج</p>		
<p>شرق شناس و اسلام شناس فرانسوی و محقق تاریخ اسلام - از معروف‌ترین آثار او قوس زندگی منصور حلاج است که به سیر زندگی و افکار و علایق حسین منصور حلاج پرداخته است.</p>	<p>لویی ماسینیون (۱۸۸۳ - ۱۹۶۲)</p>	<p>۱۴</p>
<p>موسیقیدان و خاورشناس، مدیر تحقیقات در مرکز ملی تحقیقات در دانشگاه سوربن، نماینده انجمن فرانسوی موسیقی ملل و استاد دانشگاه استراسبورگ است. وی سالیان متمادی از عمر خود را صرف تحقیق و شناخت فرهنگ و موسیقی ملل شرق، بخصوص ایران، آسیای میانه، افغانستان و آذربایجان کرده است. دورینگ از کارشناسان انگشت شمار موسیقی ایرانی در سطح جهان است و</p>	<p>ژان دورینگ (زاده ۱۹۴۷)</p>	<p>۱۵</p>



<p>تألیفات متعددی در این زمینه دارد. در سال ۱۹۷۵ رساله دکترای خود را ارائه داد که در سال ۱۹۸۳ در پاریس چاپ شد. ترجمه این رساله در سال ۱۳۸۳ بنام «سنت و تحول در موسیقی ایران» می‌باشد. کتابشناسی:</p> <p>۱. ردیف سازی موسیقی سنتی ایران؛ ترجمه: پیروز سیار</p> <p>۲. موسیقی و عرفان در سنت اهل حق؛ ترجمه سودابه فضائلی</p> <p>۳. روح نغمات: موسیقی استاد الهی؛ ترجمه سودابه فضائلی ۴. سنت و تحول در موسیقی ایران، ترجمه سودابه فضائلی، داریوش صفوت ۱۱۱۱</p>		
<p>وی با آثار رنه گنون فیلسوف مسلمان فرانسوی آشنایی پیدا کرد و تحت تأثیر آثار او در سال ۱۹۷۹ به دین اسلام درآمد. پس از آن در رشته زبان و ادبیات عرب و اسلام شناسی به تحصیل پرداخت و آنجا بود که در دانشگاه با آثار هانری کربن که عرفان شیعی را به غرب شناسانده بود آشنا شد. او تحت راهنمایی‌های احمد حمپاته ° عارف آفریقایی و از رؤسای سلسله تیجانیه ° بود که به مذهب شیعه درآمد و نام خود را به یحیی علوی مبدل ساخت. وی برای تدوین رساله خود از سال ۱۹۹۱ به ایران آمد و مدت هفت سال از جلسات سید جلال الدین آشتیانی در مشهد، در زمینه فلسفه و عرفان اسلامی استفاده برد. وی ۱۵ سال در مشهد سکنی گزید. او اکنون برای گذراندن دوره فوق دکترا به طور موقت ساکن فرانسه است و در زمینه «حکمت متعالیه ملاصدرا، پاسخی به انتظارات صدر الدین قونوی» مشغول به تحقیق است. وی هم اکنون</p>	<p>کریستیان بونو (۱۹۵۷)، یحیی علوی یا یحیی بونو</p>	<p>۱۶</p>



<p>مشغول تألیف، ترجمه و تفسیر قرآن کریم به زبان فرانسوی است. کتاب شناسی: ۱. تصوف و عرفان اسلامی به زبان فرانسه ۲. مبارزه با نفس یا جهاد اکبر، اثر امام خمینی به زبان فرانسه</p>		
<p>فیلسوف، ایران شناس، اسلام شناس، و شیعه شناس فرانسوی- او بخشی از عمر خود را در ایران و خاورمیانه سپری کرد. هانری کربن، اولین مترجم آثار مارتین هایدگر به زبان فرانسه و همچنین معرفی کننده فلسفه اشراق سهروردی و حکمت متعالیه ملاصدرا به اروپاییان بوده است. وی صاحب مکتبی در تاریخ فلسفه اسلامی است و معتقد است فلسفه اسلامی معادل فلسفه عربی نیست و با مرگ ابن رشد پایان نیافته است، بلکه سنتی زنده و پویاست که در شرق جهان اسلام، بخصوص حوزه فرهنگی ایران، تداوم یافته و با بهره گیری از احادیث امامان شیعه و امتزاج با فلسفه ایران باستان و عرفان نظری به اوج رسیده است. همچنین از پایه گذاران فلسفه تطبیقی است که به نقادی فلسفه مدرن غرب بر اساس سنت فلسفه اسلامی می پردازد.</p> <p>وی استاد شیعه شناسی دانشگاه سوربن و مدیر بخش تحقیق در مدرسه عالی مطالعات دانشگاه سوربن و نیز بنیانگذار و رئیس اداره مطالعات ایرانی «انجمن ایران شناسی فرانسه در تهران» (IFIT) تهران بوده است. وی یکی از اعضای بنیانگذار «دانشگاه سنت جان اورشلیم»، مستقر در پاریس، است. او استاد فلسفه دانشگاه تهران نیز استاد «انجمن شاهنشاهی حکمت و فلسفه ایران» بوده است. او</p>	<p>هانری کوربن (۱۹۰۳ ۱۹۷۸)</p>	<p>۱۷</p>



همچنین جزو اعضای برجسته حلقه ارانوس و عضو لژ فراماسونری فرانسه (GLNF) بود.		
از آثار مهم ارنالداز: رسل ثلاثه لاله واحد، ترجمه: ودیع مبارک، منشورات عویدات بیروت، پاریس، ط ۱، ۱۹۸۸.	ارنالداز	۱۸

منابع

منابع فارسی

- آنه ماری شیمل (۱۳۸۳). *زندگی غربی شرقی من*، ترجمه: سعید فیروزآبادی، تهران: افکار.
- محمدی وایقانی، کاظم (۱۳۸۴). *ابن عربی بزرگ عالم عرفان نظری*، تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نصر، حسین (۱۳۸۴). *سه حکیم مسلمان*، ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ابن عربی (۱۹۹۴). *الفتوحات المکیه*، بیروت: دار الفکر.
- ابن عربی (۱۹۸۱). *رساله الاتحاد الکونی*، تحقیق: دینیس گریل Denis Gril، در Denis Gril، *Annales islamologiques*، Tome XVII, 1981, p. 7-86.
- ابن عربی (۱۹۹۷). *کتاب المسائل*، ضمن: رسائل ابن عربی، بیروت: دار صادر.
- ابن عربی (۱۳۲۸). *الرساله المشهدیه*، ضمن: تاج الرسائل و منهاج الوسائل، مصر: محیی الدین الکردی، مطبعه کردستان العلمیه.

منابع لاتین

- Addas (Claude) (1989). *Ibn Arabī ou la quête du soufre rouge*, Paris, Gallimard.
- _____ (1996). *Ibn Arabī et le voyage sans retour*, Paris, éd. du Seuil.
- Arnaldez (1965). «*La mystique musulmane*», in: *La mystique et les mystiques, sous la direction de: A. Ravier*, Paris, Descelée de Brower
- Avens (Robert) (1986). *Prophetic philosophy of Ibn Arabī*, in: *Hamdard Islamicus*, vol. IX, n° 4, winter.

- Bonaud (Christian) (1991). **Le soufisme et la spiritualité islamique**, Paris, maisonneuve et larose.
- Chittick (William) (2000). **Time, Space and the objectivity of ethical norms: The teaching of Ibn Arabī**, in: **Islamic Studies**, vol. 39, n° 4.
- The sufi path of knowledge, **Ibn Arabi's metaphysics of imagination**, New York, Albany Suny Press, 1989.
- Imaginal worlds: **Ibn Arabī and the problem of religious diversity**, New York, Albany Suny Press, 1994.
- Chodkiewicz (Michel) (1992). **Un océan sans rivage: Ibn Arabī le livre et la loi**, Paris, éd. du Seuil.
- _____ (1995). **L'héritage Akbarien, Entretien réalisé par Jaafer Kansoussi et Véronique Barre**, in: **Horizons Maghrébins**, n° 30, Hiver.
- De Beurceuil (Serge De Laugier) (1985). **La mystique musulmane**, in: **Aspect de la foi de l'Islam**, Bruxelles, Publication des Facultés Universitaires Saint-Louis.
- Deladrière (Roger) (1985). **Ibn Arabī et la profession de la foi**, Paris, éd. Sindbad.
- During (Jean) (1975). **Islam: Le combat mystique**, Paris, éd. Robert Lafont.
- Elmore (Girald) (1998). **New evidence ou the conversion of Ibn al-Arabī to Sufism**, in: **Arabica**, Tome XLV.
- Gardet (Louis) (1986). **Regard chrétien sur l'Islam**, Paris, Descelée de Brower.
- _____ (1969). **Expérience et gnose chez Ibn Arabī**, in: **Memorial Mohyiddin Ibn Arabī**, Le Caire, Memorial Mohyiddin Ibn Arabī, Le Caire.
- Guénon (René) (1973). **Aperçus sur l'ésotérisme islamique et le Taoïsme**, Paris, Gallimard.
- Izutsu (Toshihiko) (1980). **Unicité de l'existence et création perpétuel en mystique islamique**, Traduit de l'anglais par: Marie-Charlotte Grandry, Paris, Les deux oceans.
- Rosenthal (Franz) (1998). **Ibn Arabī Between «philosophy», and «mysticism»**, in: **Oriens**(Leiden-Brill), vol. 31.
- Schaya (Léo) (1962). **La doctrine soufique de l'unité**, Paris, Librairie d'Amérique et d'orient, Adrien-Maisonneuve.
- Stoddard (William) (1979). **Le soufisme: Doctrine métaphysique et mystique dans l'Islam**, Traduit de l'anglais par: Roger De Pasquier, Lausanne, d. des trois continents.

